بلومبرگ:

ونزوئلا تحریم نفتی آمریکا را دور زد

با وجود استقرار ناوهای جنگی آمریکا و تشدید تحریم‌ها صادرات نفت ونزوئلا نه تنها متوقف نشده بلکه طبق داده‌های دریایی با سرعتی نزدیک به روال عادی ادامه دارد.

به گزارش خبرگزاری فارس، بلومبرگ در گزارشی تفصیلی اعلام کرده است که با وجود تشدید فشارهای دولت آمریکا، ناوگان نفتکش‌ها همچنان به بارگیری نفت خام ونزوئلا ادامه می‌دهند و تلاش‌های واشنگتن برای محدود کردن درآمدهای نفتی کاراکاس تاکنون تأثیر تعیین‌کننده‌ای بر روند صادرات این کشور نداشته است.

بر اساس این گزارش، از زمانی که دولت دونالد ترامپ اقدامات خود را برای کاهش درآمدهای نفتی ونزوئلا شدت بخشیده و کشتی‌های مشمول تحریم را هدف قرار داده، بیش از ۱۲ نفتکش در آب‌های نزدیک به سواحل ونزوئلا اقدام به بارگیری نفت کرده‌اند.

داده‌های شرکت تحقیقاتی دریایی «کپلر» که در زمینه ردیابی حرکت کشتی‌ها و تحلیل داده‌های انرژی فعالیت می‌کند، نشان می‌دهد از تاریخ ۱۱ دسامبر تاکنون حدود ۱۴ نفتکش نفت خام ونزوئلا را بارگیری کرده‌اند که دست‌کم شش فروند از آن‌ها به‌طور رسمی تحت تحریم قرار داشته‌اند.

اطلاعات موجود حاکی از آن است که علی‌رغم افزایش تنش‌های سیاسی و امنیتی، روند بارگیری نفت تقریباً با سرعتی عادی ادامه دارد. این در حالی است که دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، یک ناوگان از کشتی‌های جنگی را در نزدیکی سواحل ونزوئلا مستقر کرده و دولت او اخیراً نوعی محاصره دریایی اعمال کرده است؛ محاصره‌ای که هدف آن جلوگیری از ورود و خروج کشتی‌های مشمول تحریم به این کشور آمریکای جنوبی عنوان شده است.

بلومبرگ همچنین گزارش می‌دهد که در تعطیلات آخر هفته گذشته، نیروهای آمریکایی برای نخستین بار بر روی یک نفتکش غیرتحریمی به نام «سنتشریز» در دریای کارائیب سوار شدند. این اقدام که نخستین هدف‌گیری یک کشتی غیرتحریمی محسوب می‌شود، نشانه‌ای از احتمال گسترش دامنه اجرای قوانین و اقدامات سخت‌گیرانه آمریکا علیه شبکه حمل‌ونقل نفت ونزوئلا است.

در گزارش بلومبرگ تأکید شده که درآمدهای صنعت نفت، منبع اصلی تأمین ارز خارجی برای اقتصاد بحران‌زده ونزوئلا به شمار می‌رود. این کشور روزانه حدود ۹۰۰ هزار بشکه نفت صادر می‌کند که نزدیک به ۳۰ درصد آن از طریق «ناوگان سایه» منتقل می‌شود؛ ناوگانی متشکل از نفتکش‌هایی که اغلب برای دور زدن تحریم‌ها فعالیت می‌کنند و مشابه همان کشتی‌هایی هستند که دولت ترامپ آن‌ها را هدف قرار داده است.

حتی با وجود تهدید صادرات نفت ونزوئلا، داده‌های کپلر نشان می‌دهد که حجم محموله‌ها از سطوح اخیر نیز فراتر رفته است. از ۱۱ دسامبر به این سو، میانگین صادرات نفت ونزوئلا به حدود ۸۹۰ هزار بشکه در روز رسیده که بالاتر از میانگین معمول ۸۰۰ هزار بشکه در روز است.

جدول نرخ سکه، ارز و بورس

نوع سکه	قیمت بازار (به تومان)
سکه تمام طرح جدید	۱۵۲/۵۰۰/۰۰۰
سکه تمام طرح قدیم	۱۴۵/۵۰۰/۰۰۰
نیم سکه	۸۳/۱۰۰/۰۰۰
ربع سکه	۴۸/۲۰۰/۰۰۰
گرمی	۲۱/۵۰۰/۰۰۰
هر گرم طلای ۱۸ عیار	۱۴/۵۶۴/۰۰۰
نوع ارز	
دلار(توافقی)	۸۰/۳۱۴
یورو(توافقی)	۹۴/۵۸۳
پوند	۱۰۸/۳۰۵
لیر ترکیه	۱/۸۷۴
درهم امارات	۲۱/۸۶۹
هزار دینار عراق	۶۱/۳۱۱
بورس	
شاخص کل بورس تهران	۴/۰۲۸/۵۶۰
شاخص کل هموزن	۱۱۲۶/۲۶۴

ترحیم

هو الباقی

با نهایت تأسف و تأثر درگذشت مرحوم مغفور

شادروان ناصر بختیاری

را به اطلاع کلیه دوستان و آشنایان گرامی می‌رسانیم؛

به همین مناسبت مراسم تشییع و خاکسپاری آن مرحوم در روز پنجشنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۰/۴ از ساعت ۱۰ صبح در بهشت زهرا(س) سالن عروجیان برگزار می‌گردد. همچنین مراسم ختم آن مرحوم روز جمعه ۱۴۰۴/۱۰/۵ از ساعت ۱۵ الی ۱۶:۳۰ درمسجد امام جعفر صادق(ع) واقع در خیابان سراج روبه‌روی سی‌متری اول برگزار می‌گردد.

از طرف: خانواده‌های بختیاری، کریمیان و کلیه بستگان و آشنایان

تسلیت

خانواده محترم بختیاری

با نهایت تأسف و تألم درگذشت اندوه‌بار همکار گرامی‌مان **مرحوم ناصر بختیاری** را خدمت شما تسلیت عرض نموده، از درگاه خداوند متعال برای آن مرحوم رحمت واسعه الهی و برای بازماندگان صبر و بردباری آرزومندیم.

مدیریت و کارکنان امور فنی و چاپ

جناب آقای مجید لطیفی سرپرست محترم امور کارکنان

غم از دست دادن والده گرامی همسرتان را تسلیت عرض نموده و برای روح آن مرحومه آرامش و غفران مسئلت داریم.

آقایان: زندیه، نعلچگر، بهنام، جباری، حمیدیان، ناصر حیدری، اسدی‌نژاد، رحیمیان، جابانی

خانم‌ها: کردلو، حاجی‌زاده، اوگی، زادهوش، اسدی، حسینی، پروانه موسوی، دولتی، جعفری

کیهان لایحه بودجه ۱۴۰۵ را بررسی می‌کند

۲ راهکار برای ترمیم قدرت خرید مردم
کاهش سهم شرکت‌های دولتی و بازگشت ارزهای صادراتی

سرویس اقتصادی-

لایحه بودجه ۱۴۰۵ با افزایش ۲۰ درصدی حقوق کارمندان و بازنشستگان، حتی با فرض تورم ۴۱ درصدی کنونی؛ شکاف دستمزد و قدرت خرید را بیشتر می‌کند.

به گزارش خبرنگار ما، افزایش ۲۰ درصدی حقوق کارمندان دولت و بازنشستگان در لایحه بودجه ۱۴۰۵، بار دیگر چالش تفاوت در دستمزد و قدرت خرید مردم را برجسته کرده است. ضمن اینکه تعیین سقف ۲۰ درصدی افزایش حقوق کارمندان، شرایط معیشتی کارگران که دستمزدشان توسط شورای‌عالی کار تعیین می‌شود را نیز با مشکلات زیادی همراه خواهد کرد.

دولت با تقدیم لایحه بودجه سال آتی به مجلس، ضریب ریالی حقوق و افزایش‌های متناظر برای کلیه دستگاه‌های اجرائی و همچنین حقوق بازنشستگان، وظیفه‌بگیران و مشترکان صندوق‌های بازنشستگی را ۲۰ درصد تعیین کرده است؛ بر این اساس؛ حداقل حقوق ماهانه کارکنان در سال آینده ۱۵ میلیون و ۶۰۰ هزار تومان (حکم قدیم) خواهد بود. حداقل حکم حقوق بازنشستگان و وظیفه‌بگیران نیز ۱۴ میلیون و ۴۰ هزار تومان (حکم قدیم) تعیین شده است. امتیاز کمک‌هزینه عائله‌مندی ۳۶۲۵ و کمک‌هزینه حق اولاد ۲۹۶۷ امتیاز پیش‌بینی شده است.

در بخش هزینه‌ای بودجه که به جبران خدمات کارکنان دولت اختصاص دارد، مبلغ ۱۰۰ میلیارد تومان (با حذف چهار صفر از ریال) در نظر گرفته شده است تا بخشی از نیازهای معیشتی کارکنان پوشش داده شود. این اقدام در راستای حمایت از قدرت خرید خانوارهای دولتی و بازنشستگان و همچنین تعادل‌بخشی به پرداخت‌های حقوقی مطرح شده است.

افزایش فاصله دستمزد با قدرت خرید مردم

این میزان افزایش در حالی اعمال می‌شود که مسعود پزشکیان؛ رئیس‌جمهور، پیشتر در ایام تبلیغات ریاست‌جمهوری تأکید کرده بود که «حقوق باید متناسب با تورم رشد کند؛ نمی‌شود تورم ۵۰ درصد باشد، اما حقوق ۲۰ درصد اضافه شود.»

طبق جدیدترین داده‌های مرکز آمار، در آبان ۱۴۰۴ نرخ تورم سالانه به ۴۰ و چهار دهم درصد افزایش یافته و تورم خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها نیز به بیش از ۴۶ درصد رسیده است؛ موضوعی که حاکی از تشدید فشار تورمی به‌ویژه در اقلام معیشتی است. آن تورمی که در زندگی کارمندان، بازنشستگان و کارگران اثر می‌گذارد تورم اقلام اساسی و معیشتی همچون خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها، اجاره، درمان و... است.

برخی منابع، تورم کالاهای اساسی را تا ۸۵ درصد هم عنوان می‌کنند؛ بخصوص اینکه از اواخر فروردین که دلار آزاد ۸۰ هزار تومان بود با افزایش ۷۰ درصدی حالا به ۱۳۶ هزار تومان رسیده است. ناکارآمدی در تامین نهاده‌های کشاورزی، حذف ارز ترجیحی و تامین کالاها با ارز آزاد، قیمت مواد غذایی را بسیار بیش از دلار، گران کرده، به‌طوری که برنج یک دلاری در بازارهای جهانی، معادل سه دلار فروخته می‌شود. قیمت برنج ایرانی که سال گذشته هر کیلوگرم کمتر از ۱۰۰ هزار تومان بود، امسال به حدود ۴۰۰ هزار تومان رسید و این یعنی تورمی حدود ۳۰۰ درصد.

دولت شهید رئیسی در مرداد ۱۴۰۳ دلار آزاد را ۵۸ هزار و ۶۰۰ تومان و سکه را ۴۱ میلیون و ۱۵۰ هزار تومان به دولت پزشکیان تحویل داد که در حال حاضر دلار ۱۳۶ هزار تومان و سکه هم بیش از ۱۵۲ میلیون تومان است! و این یعنی تورمی بین ۱۵۰ تا ۲۰۰ درصد! همچنین قیمت دلار نیمایی هم که در ابتدای تشکیل دولت چهاردهم در کانال ۴۵ هزار تومان بود، امروز بیش از ۱۰۷ هزار تومان به فروش می‌رسد؛ یعنی تورمی بیش از ۱۳۰ درصد!

توجیهات اشتباه آقای معاون

محمدجعفر قائم‌پناه؛ معاون اجرائی رئیس‌جمهور در توجیه افزایش حقوق به نصف میزان تورم گفت: «اگر ما حقوق کارمند را زیاد بکنیم تورم هم دو برابر شود هنر نکردیم. هنر این است که ما تورم را کنترل بکنیم؛ وقتی که حقوق کارمند زیاد شود ولی تورم دو برابر میزان حقوق کارمند زیاد شود شاهکار نیست»

او افزود: «قرار باشد ما حقوق را زیاد کنیم ولی مواد خوراکی برنج و روغن و ماکارونی سه برابر- چهار برابر شود به نظر من کار مثبتی نیست. مهم این است که ما قدرت خرید کارکنان دولت و مردم را حداقل حفظ کنیم؛ این مهم‌ترین کار دولت باید باشد.»

گفتنی است، عوامل تورم؛ خلق پول بانک‌ها، افزایش دستوری قیمت ارز توسط دولت، تخصیص ۷۰ درصد بودجه به شرکت‌های دولتی و هزینه‌های ناشی از سوءمدیریت و ریخت و پاش آنهاست. اغلب کارشناسان معتقدند سهم تورم حقوق و دستمزد سه تا پنج درصد نرخ تورم است.

با استدلال آقای معاون، اگر اساساً دستمزدی داده نشود و مردم گرسنه بمانند؛ نرخ تورم باید صفر یا حتی منفی شود اما با وجود کاهش تقاضاهای مصرفی مردم در همه بخش‌ها مخصوصاً معیشت، تورم همچنان به‌صورت شتابنده بالا می‌رود که حاصل رهاسازی اقتصاد، بازار و تصدی‌گری در دست یک اقلیت کوچک فاقد اهلیت، ناکارآمد و نابلد، طماع، سیری ناپذیر و گاهی همکار دشمن به نام خصوصی‌سازی و کاهش تصدی‌گری است.

پرداخت کالابرگ با مالیات مضاعف

شاید برخی استدلال کنند که دولت با کالابرگ، شکاف دستمزد - قدرت خرید را ترمیم می‌کند. این در حالی است که دولت و وزارت رفاه، خانوارهای پایین‌تر از دهک ۸ را با معیارهای دستمزدی عجیب- و دارای فاصله با قدرت خرید- به نام سه دهک پردرآمد حذف می‌کند.

همچنین درحالی که دولت تأکید دارد منابع کالابرگ الکترونیکی از محل حذف ارز ترجیحی ۲۸هزار و ۵۰۰ تومانی تأمین می‌شود؛ افزایش دو درصدی مالیات بر ارزش افزوده و حذف سه دهک جمعیتی از دریافت یارانه، ابهام‌های جدی درباره منبع واقعی تأمین کسری کالابرگ ایجاد کرده است.

به گزارش خبرگزاری تسنیم، این پرسش جدی مطرح است که اگر با حذف ارز ترجیحی برای واردات نهاده‌ها و کالاهای اساسی قرار بود یارانه ارزی به هدف اصابت کند و منابع آن مستقیماً صرف حمایت از مصرف‌کننده شود چرا دولت ناچار به افزایش دو درصدی مالیات بر ارزش افزوده برای جبران کسری منابع کالابرگ شده است؟ اقدامی که به صورت مستقیم هزینه‌های مصرفی خانوارها را افزایش داده و بار مالی آن بر دوش عموم مردم قرار می‌گیرد.

این دو درصد افزایش مالیات ارزش افزوده حدود ۱۷۰ هزار میلیارد تومان درآمد برای دولت ایجاد می‌کند که لایحه بودجه مدعی شده این درآمد صرف پوشش کالابرگ خواهد شد. این سیاست در شرایطی اجرا می‌شود که همزمان سه دهک از جمعیت کشور از دریافت کالابرگ حذف شده‌اند؛ به طوری‌که حدود ۲۵ میلیون نفر مشمول این حمایت معیشتی کالابرگ نیستند. این موضوع، ابهام‌ها درباره کفایت منابع حاصل از حذف ارز ترجیحی، عدم اصابت آن و نحوه توزیع آن را تشدید کرده است.

افزایش فشار مالیاتی از مسیر رشد نرخ مالیات بر ارزش افزوده، در کنار حذف بخشی از جامعه از دریافت کالابرگ، این انتقاد را تقویت کرده که کسری منابع طرح‌های حمایتی نه از محل اصلاح ساختار یارانه‌ای، بلکه با تحمیل هزینه جدید به مردم جبران می‌شود؛ مسیری که با ادعاهای اولیه دولت درباره ناکارآمدی ارز ترجیحی و جایگزینی حمایت هدفمند از مصرف‌کننده در تضاد قرار دارد.

تاثیر بر دستمزد کارگران

همواره در اقتصاد ایران، دستمزد کارمندان دولت به‌عنوان یک مرجع و شاخص، تأثیر قابل‌توجهی بر تعیین مزد کارگران تحت شمول شورای‌عالی کار می‌گذارد، این روند ادامه دارد، در حالی که مزایای کارمندان دولت و ساختار حمایتی آن‌ها، به‌طور ساختاری با حقوق و مزایای کارگران بخش خصوصی و تولیدی قابل مقایسه نیست.

بر اساس بررسی‌های میدانی، تنها حدود ۳۵ تا ۴۰ درصد از کارگران کشور موفق به دریافت تمام مزایای شغلی تعریف‌شده در قانون کار می‌شوند؛ این بدان معناست که بخش عمده‌ای از جامعه کارگری، با حقوقی تعیین‌شده توسط شورا که اغلب عقب‌تر از نرخ واقعی تورم است، مواجه هستند.

شرایط دشوار معیشتی ناشی از فاصله زیاد حقوق و تورم، کارگران را وادار کرده است برای تأمین مایحتاج اولیه خود به راه‌حل‌های جایگزین روی بیاورند. گزارش‌ها حاکی از آن است که بسیاری از کارگران یا مجبور به مراجعه به شغل دوم و سوم شده‌اند یا کنار شغل ثابت خود، به فعالیت‌هایی مانند دستفروشی، پیک موتوری، تاکسی اینترنتی و... روی آورده‌اند تا بتوانند هزینه‌های زندگی خانواده را پوشش دهند که باز هم نمی‌توانند.

بنابر این گزارش، این ناهماهنگی سیستمی نیازمند مدیریت دقیق‌تر از سوی دولت است. کارشناسان تأکید دارند که دولت باید مسیر تعیین حقوق کارمندان را به‌گونه‌ای مدیریت کند که کمترین تأثیر منفی را بر تعیین دستمزد کارگران بگذارد و مکانیزم‌های حمایتی شورای‌عالی کار را تقویت نماید تا شکاف طبقاتی و معیشتی میان این دو گروه از نیروی کار کشور تشدید نشود. البته حقوق کارمندان هم با احتساب مزایا هم با قدرت خرید، فاصله زیادی دارد و آنها هم به شغل‌های دوم و سوم روی آورده‌اند.

راهکارهای افزایش حقوق‌ها

واقعیت این است که حقوق و دستمزد کارمندان و کارگران از دوران دولت حسن روحانی دچار فاصله نجومی با قدرت خرید شد. دولت سیزدهم با وجود کمبود منابع، در راستای ترمیم قدرت خرید در حال حرکت و بهبود شرایط بود که با شهادت آیت‌الله رئیسی و پایان دولت، به مقصود نرسید. دولت چهاردهم نیز نه تنها تلاش مؤثری برای ترمیم قدرت خرید نکرد بلکه شرایط را به دولت حسن روحانی بازگرداند.

برخی معتقدند به عنوان مثال دولت برای یک سال، با اختصاص بخش کوچکی از بودجه شرکت‌های دولتی به‌ویژه شرکت‌های زیرمجموعه برخی بانک‌ها و نهادهای دولتی به بخش عمومی، دولت می‌تواند بیش از ۵۰ درصد حقوق و دستمزد کارمندان را افزایش بدهد و قدرت خرید را تا حدود زیادی ترمیم کرده و از سال بعد به میزان تورم، حقوق‌ها را بالا ببرد.

۷۰ تا ۷۵ درصد بودجه به شرکت‌ها و بانک‌های دولتی و ۲۵ تا ۳۰ درصد به عمومی اختصاص دارد. از طرفی گفته می‌شود که نیمی از بودجه عمومی یعنی ۱۲ و نیم تا ۱۵ درصد به حقوق و دستمزدها تعلق دارد. به عنوان مثال اگر فقط ۲۰ درصد از بودجه شرکت‌های دولتی به عمومی منتقل شود معادل ۱۴ تا ۱۵ درصد کل بودجه می‌شود. به این ترتیب دولت می‌تواند ۱۰۰ درصد حقوق و دستمزد کارمندان را افزایش بدهد که به رونق بازار و کسب و کارها هم خواهد انجامید.

رضا غلامی؛ کارشناس مسائل اقتصادی درباره شرکت‌های دولتی گفت: «بودجه ۳۴۴ شرکت دولتی در سال ۱۴۰۴، بیش از ۶۳۷۷ هزار میلیارد تومان است که ۸۱ درصد آن جاری است. مسئولیت خرج این مبلغ هنگفت، با دولت به‌ویژه وزارت اقتصاد و سازمان برنامه است. دقیقا این‌جا محل ریخت و پاش‌هاست ولی مجلس دنبال نخودسیاه کسری بودجه است.»

گفتنی است، در پرداخت حقوق‌های نجومی در شرکت‌های دولتی شکی نیست و باید جلوی آن گرفته شود اما میزان هدررفت‌ها (حیف) بیش از حقوق‌های نجومی (میل) است که ناشی از سوءمدیریت‌ها و مدیران سفارشی است. ضمن اینکه بخش زیادی از سهام برخی از این شرکت‌ها خصوصی شده اما از دولت بودجه می‌گیرند. این بودجه‌ها باید قطع شود یا به شدت کاهش یابد.

بر اساس برخی گزارش‌ها، میزان حقوق و دستمزد پرداختی به کارگران و کارمندان در شرکت‌های دولتی کمتر از ۲۰ درصد بودجه این شرکتهاست. بنابراین، باید بررسی شود که این ۸۱ درصد بودجه جاری، به‌ویژه در شرکت‌هایی که ظاهرا دولت مالکیت کامل ندارد اما به طور غیرمستقیم در آن‌ها اعمال مدیریت می‌کند برای چه چیزی هزینه می‌شود.

همچنین با بازگشت منابع ارزی، دست دولت برای ترمیم قدرت خرید مردم باز می‌شود. بر اساس آمارهای موجود برخی از صادرکنندگان که بخش قابل توجهی از آنها را شرکت‌های دولتی یا تحت اعمال مدیریت دولت تشکیل می‌دهند، بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار عدم رفع تعهد ارزی دارند.

حسین راغفر؛ اقتصاددان با بیان اینکه کنترل تورم و ثبات اقتصادی پیش‌زمینه‌های توسعه ابزارهای مالی اسلامی هستند، گفت: «۹۹ میلیارد یورو [معادل ۱۱۶ میلیارد دلار] ارز صادرات را وارد کشور نکردند! اکثر اینها شرکت‌های دولتی هستند.» اراده دولت برای تعیین تکلیف حتی بخشی از این رقم، می‌تواند نظام ارزی و تأمین مالی کشور را دستخوش تغییرات قابل توجه کند.

کارشناس اقتصادی مطرح کرد

دلایل جهش دوباره دلار
از مصوبه «واردات بدون انتقال ارز» تا انتظارات تورمی

نوسانات شدید نرخ دلار در بازار غیررسمی، بار دیگر اقتصاد ایران را ملتهب کرده است. یک کارشناس اقتصادی، ریشه این بی‌ثباتی را ترکیبی از تحولات خارجی و اختلال‌های داخلی در تأمین و تخصیص ارز می‌داند.

به گزارش خبرگزاری تسنیم، نوسانات شدید نرخ دلار در روزهای اخیر بار دیگر بازار ارز ایران را به مرز بی‌ثباتی کشانده است. کارشناسان اقتصادی ریشه این نوسانات را در ترکیب پیچیده‌ای از عوامل داخلی و خارجی می‌دانند؛ از سیاست‌های ارزی چالشی و کاهش درآمدهای صادراتی تا تشدید تحریم‌ها و تنش‌های ژئوپلیتیک. در این میان، مصوبه واردات بدون انتقال ارز نیز به عنوان عاملی که تقاضا را به سمت بازار غیررسمی سوق داده، مورد انتقاد قرار گرفته است.

میرهادی رهگشای، کارشناس مسائل اقتصادی، در تحلیل نوسانات اخیر نرخ دلار در بازار غیررسمی، عوامل مؤثر را به دو گروه درونی و بیرونی تقسیم کرد. وی تصریح کرد: مهم‌ترین عامل داخلی، افزایش تقاضا برای واردات در شرایطی است که درآمدهای ارزی کشور به دلیل مشکلات صادراتی اعم از عدم بازگشت ارزهای صادراتی کاهش یافته است.

رهگشای با بیان اینکه دو عامل کلیدی در این زمینه، «چالش‌های منابع ارزی» و «تخصیص قطره‌چکانی ارز ترجیحی» است، گفت: تشدید خشکسالی و محدودیت شدید منابع آب نیز همزمان تولید داخلی را کاهش داده، درآمد ارزی را کم کرده و وابستگی به واردات کالاهای اساسی و نهاده‌های دامی را نیز افزایش داده است.

این کارشناس اقتصادی گفت: علاوه‌بر این، صدور مجوز واردات بدون ثبت منشأ ارز در مناطق مرزی و همچنین ساماندهی کارت‌های بازرگانی مشکوک که در کوتاه‌مدت عرضه ارز را کاهش داده، تقاضا را بیشتر به سمت بازار غیررسمی سوق داده که باعث نوسانات شده است.

رهگشای با اشاره به راهکار اصلی در این زمینه تأکید کرد: ثبات و پایداری در فرآیند تأمین ارز می‌تواند مهم‌ترین عامل کنترل نوسانات بازار باشد. تأمین ارز به صورت منظم و بدون اختلال (که البته در این نهادهای دولتی مختلفی مسئولیت دارند)، لازمه اساسی آرامش و ثبات در بازار ارز است؛ اما هرگونه تداوم ناپایداری و اختلال در این فرآیند، روند افزایشی نرخ را تشدید می‌کند.

این کارشناس اقتصادی گفت: تدابیر اخیر از جمله مسدودسازی حساب‌های مشکوک، تسریع تخصیص ارز به سفارش‌های زیر ۱۰۰ هزار دلار و برخورد با موارد پولشویی و اخلال در جای خود مثبت ارزیابی می‌شود. با این حال، این اقدامات به‌تنهائی و در کوتاه‌مدت نمی‌توانند بازار را به طور کامل آرام کنند. به اعتقاد وی، دولت باید همزمان دو هدف افزایش منابع ارزی و بهینه‌سازی فرآیند تخصیص آن را دنبال کند؛ چرا که چنین رویکردی می‌تواند کشور را از شوک‌های ارزی دور نگه دارد.

رهگشای همچنین در بخش دیگر، به عوامل بیرونی نوسانات ارزی اشاره کرد و گفت: در سطح خارجی، تشدید فشار تحریم‌ها پس از روی کار آمدن ترامپ، تجاوز نظامی اسرائیل، فعال شدن مکانیسم اسنپ‌بک و تهدید مداوم جنگ، همگی فشار مضاعفی بر بازار ارز وارد کرده‌اند. این تحولات در کنار یک جنگ رسانه‌ای هدفمند، انتظارات تورمی را به شدت افزایش داده و تقاضای سوداگرانه در بازار غیررسمی را تقویت کرده است.

این کارشناس اقتصادی تأکید کرد: افزایش انتظارات تورمی و تقاضای سوداگرانه، فشارهای ناشی از نیاز واقعی ارزی را تشدید می‌کند. در نهایت، کلید آرامش بازار ارز در ثبات‌بخشی به فرآیند تأمین ارز نهفته است و ایجاد این ثبات نه‌تنها جلوی نوسانات شدید را می‌گیرد، بلکه زمینه‌ساز بهبود اعتماد و شرایط کلی اقتصادی خواهد بود.

بر اساس این گزارش، نرخ دلار در بازار آزاد نوسانات قابل توجهی را تجربه کرده و حتی از مرز ۱۳۵ هزار تومان نیز عبور کرده است.

نگاه اقتصادی

تهدید امنیتی کانال دِرهم

علیرضا معشوری*

وابسته کردن ساختار واردات کشور به امارات و گره زدن شریان حیاتی تجارت خارجی به «دِرهم» فقط یک خطای ساده و یا یک تصمیم موقتی در شرایط حساس از طرف سیاست‌گذار اقتصادی نیست؛ این اقدام تهدیدی آشکار علیه امنیت و استقلال اقتصادی ایران ایجاد کرده است. ادامه این مسیر به معنای واگذاری کنترل مسیرهای حیاتی واردات کشور، به یک بازیگر خارجی است؛ اقدامی که نه قابل توجیه است و نه قابل تحمل و عملاً حاکمیت اقتصادی و امنیت ملی را زیر سؤال می‌برد. هرگونه سکوت یا تعلل در برابر این موضوع، همراهی با یک تهدید آشکار علیه منافع جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود و باید قاطعانه و بدون تعارف در برابر آن ایستاد و جلوی وابستگی بیشتر به امارات را گرفت. وقتی کشوری مانند امارات که در سطح رسمی و بین‌المللی بارها علیه جمهوری اسلامی ایران موضع گرفته و به‌طور مستمر ادعای ارضی نسبت به جزایر سه‌گانه ایرانی دارد به گلوگاه واردات کالا و تبادلات ارزی ما تبدیل می‌شود، این پرسش اساسی شکل می‌گیرد که چرا اقتصاد کشور را به واحد پولی و زیرساخت مالی چنین بازیگری گره زده‌ایم. دِرهم امارات امروز دیگر فقط یک ارز واسط نیست و متأسفانه به ابزار فشار و نفوذ سیاسی تبدیل شده است. این به معنای آن است که ما داوطلبانه نقطه آسیب‌پذیر خود را به کشوری سپرده‌ایم که نه متحد ما و نه قابل اعتماد است.

اینکه چرا واردات کشور عمدتاً از کانال امارات و با حواله درهم انجام می‌شود، ریشه در ترکیبی از تحریم‌های خارجی و ضعف تصمیم‌گیری داخلی دارد. پس از تشدید تحریم‌های بانکی، به جای طراحی یک شبکه جایگزین پایدار با کشورهای همسو یا ایجاد سازوکارهای مالی منطقه‌ای مستقل، ساده‌ترین مسیر انتخاب شد و آن هم استفاده از امارات به عنوان کشوری واسط بود. اسناد تجاری واردات نشان می‌دهد که بخش قابل توجهی از کالاهایی که منشأ تولیدشان چین، هند، اروپا یا حتی برخی کشورهای منطقه است، ابتدا در اسناد حمل و پرداخت به نام شرکت‌های ثبت شده در دبی یا شارجه فاکتور می‌شوند و سپس به ایران می‌آیند. نتیجه این کار هزینه اضافی، شفافیت کمتر و وابستگی بیشتر است. از این رو حواله دِرهم به دلیل دسترسی آسان‌تر صرافی‌ها و بانک‌های اماراتی به نظام مالی جهانی به گزینه اصلی پرداخت‌ها تبدیل شد. اما این انتخاب که در بهترین حالت می‌بایست موقتی باشد به تدریج یک وابستگی ساختاری پرریسک و خطرناک برای اقتصاد ایران ایجاد کرد.

سؤال جدی‌تر این است که چرا این حجم عظیم از شرکت‌های ایرانی یا وابسته به تجار ایرانی در امارات و به‌ویژه دبی ثبت شده‌اند؛ تا جایی که اقتصاد ایران عملاً به زیرساخت حقوقی و تجاری این کشور وابسته شده است. پاسخ را باید در منافع شبکه‌ای جست‌وجو کرد که از این وابستگی سود می‌برد. ثبت شرکت در امارات، دسترسی به حساب بانکی خارجی، امکان دور زدن برخی مقررات داخلی و سودهای کلان واسطه‌گری، برای گروهی خاص جذاب بوده و هست. اما نتیجه این مسیر باعث شده که وقتی امارات مواضع خصمانه می‌گیرد یا در بیانیه‌های مشترک با قدرت‌های فرامنطقه‌ای علیه تمامیت ارضی ایران موضع‌گیری می‌کند، بخشی از ساختار اقتصادی ما ناچار به سکوت می‌شود، چون منافعش در همان جغرافیا گروگان است. سکوتی که از سر وابستگی و ترس از قطع کانال‌های تجاری است.

وابسته کردن کشور به امارات و به‌ویژه در حوزه واردات کالاهای اساسی، مواد اولیه و قطعات صنعتی عملاً یک تهدید امنیت ملی ایجاد کرده است. اسناد صادرات و واردات نشان می‌دهد که امارات در بسیاری از سال‌ها یا شریک اول تجاری ایران بوده یا در رتبه‌های بالای جدول قرار داشته است، اما واضح است که این جایگاه به خاطر تولید کشور امارات نبوده و به دلیل نقش واسطه‌ای آن است. یعنی ما به جای ارتباط مستقیم با تولیدکننده اصلی، مسیر خود را عمداً از کشوری عبور داده‌ایم که هیچ تعهد سیاسی یا راهبردی نسبت به ما ندارد. این انتخاب باعث شده هر تنشی در روابط با امارات حتی در سطح اداری و بانکی به کمبود کالا، افزایش قیمت و شوک ارزی در داخل منجر شود. این مسیری است که دشمنان ایران از آن استقبال می‌کنند و باعث وابستگی کشور و ناامن شدن اقتصاد از درون و بدون شلیک حتی یک گلوله شده است.

اینکه چرا واردات را با واسطه امارات و دِرهم انجام می‌دهیم و همچنان بر این مسیر پافشاری می‌شود در حالی که راه‌های جایگزین وجود دارد نشان‌دهنده غلبه منافع کوتاه‌مدت گروهی خاص بر منافع بلندمدت کشور است. امروز امکان استفاده از پول‌های ملی، تهاتر و سازوکارهای مالی دوجانبه با کشورهای همسایه و همسو وجود دارد. اما کنار گذاشتن امارات یعنی کنار گذاشتن رانت‌های تثبیت‌شده، شبکه‌های واسطه‌ای و سودهای نجومی که در سایه عدم شفافیت شکل گرفته‌اند. طبیعی است که ذی‌نفعان این وضعیت در برابر هر تغییری مقاومت کنند و با توجیهاتی مانند «نبود جایگزین» یا «هزینه بالای تغییر مسیر» سیاست‌گذار را مرعوب کنند.

منافع وابستگی به امارات دقیقاً در جیب چه کسانی می‌رود؟ بررسی ساختار واردات نشان می‌دهد که بخش قابل توجهی از سود در واسطه‌گری ارزی و تجاری انباشته می‌شود. شرکت‌هایی که در امارات ثبت شده‌اند با اختلاف نرخ ارز، کارمزد حواله، تغییر فاکتور و بازی با اسناد حمل، سودهایی به مراتب بالاتر از یک فعالیت سالم تجاری کسب می‌کنند. این سودها برای گروهی خاص انگیزه‌ای قوی برای حفظ وضع موجود ایجاد کرده است حتی اگر هزینه آن، تضعیف استقلال اقتصادی و افزایش تهدیدات سیاسی-امنیتی علیه کشور باشد. باید توجه شود که در چنین شرایطی امارات شریک تجاری ایران نیست و به یک عامل تهدید تبدیل می‌شود؛ کشوری که می‌داند ایران به کانال‌های مالی آن وابسته است و می‌تواند از این اهرم برای فشار سیاسی استفاده کند.ادامه واردات از طریق امارات و از کانال دِرهم به معنای پذیرفتن این واقعیت تلخ است که امنیت اقتصادی کشور به تصمیمات بانک مرکزی و نهادهای امنیتی کشوری دیگر گره خورده است. چرا باید راهی را برویم که حتی امارات هم ابزاری برای تهدید کردن ایران داشته باشد و از جانب او احساس ناامنی کنیم؟ استقلال اقتصادی ایجاب می‌کند که این وابستگی کنار گذاشته شود حتی اگر در کوتاه‌مدت هزینه داشته باشد. ایران می‌تواند با تکیه بر توان داخلی، تنوع مسیرهای تجاری و کاهش وابستگی به گلوگاه‌های دشمن، در بلندمدت جایگزین‌های پایدار و مطمئن‌تری داشته باشد. کنار گذاشتن امارات از جایگاه واسطه، یک ضرورت عقلانی و امنیتی است که تعلل در آن، هزینه‌های سنگین‌تری را در آینده به کشور تحمیل خواهد کرد.

*دکتری روابط بین‌الملل

نیازمندی‌های کیهان

قبول آگهی تلفنی
از ساعت ۸ صبح الی ۶ بعدازظهر
تلفن: ۵-۳۳۱۱۲۲۹۲
فکس: ۳۳۱۱۸۰۵۳
niyaz.mandiha@kayhan.ir

مرکز		
۳۳۱۱۰۲۰۲	۳۳۱۱۰۲۰۸	۳۳۱۱۲۱۹۳
۳۳۱۱۳۵۱۹	۳۳۹۱۱۵۶۸	۳۳۱۱۲۲۹۱
۳۳۱۱۰۲۱۰	۳۳۱۱۹۲۳۶	۳۳۱۱۳۰۸۵
۳۳۹۱۰۹۱۴	۳۳۱۱۲۱۹۵	۳۳۹۴۲۰۰۰

جنوب	
سعدی	۳۳۹۶۲۲۱۱ - ۳۳۹۶۲۲۳۳
شرق استان تهران	۳۶۲۵۷۰۷۴
اسلامشهر	۵۶۳۴۴۳۴۳
چهاردانگه	۵۶۳۵۹۵۹۸

آگهی‌های مفقودی

برگ سبز خودرو سواری‌هاچ بک تیبا۲ به رنگ نوک مدادی متالیک مدل۱۳۹۸ به شماره پلاک ۳۱۵س۱۴ ایران ۶۸ به شماره موتور M15 /